

دکتر صادق بافنده ایماندوست

استادیار دانشگاه پیام نور مشهد

imandoust@yahoo.com

ازبحرانهای مالی دوره قاجار تا شکل‌گیری نظام بانکی ایران

چکیده:

یکی از آرزوهای مشروطه‌خواهان متجدد در اواخر دوران قاجار، تأسیس بانک ملی بود که از نشانه‌های ترقی به شمار می‌رفت، شاید این آرزو به خاطر نقش دو بانک استقراضی و شاهی در غارت منابع کشور بوده است و شاید هم به خاطر مدرنیزه کردن کشور. طرح تأسیس بانک ملی در اوایل تشکیل مجلس اول مشروطه ارائه شد. لیکن عدم همکاری درباریان و شاه و برخی از وزرا با پیشنهاد تأسیس بانک ملی و عدم همیاری در خرید سهام از سوی متمولان، امکان عملی تحقق آرزوی مجلسیان را تدریجاً به یأس مبدل ساخت، به ویژه دشمنی و مخالفت‌های دو کشور روس و انگلیس درباره تأسیس یک بانک ایرانی در حد بسیار موثری در شکست طرح نمایندگان مجلس نقش داشت و نهایتاً هم کودتای محمد-علی شاه و تعطیلی مجلس، تأسیس بانک ملی را به تعویق انداخت. شروع بانکداری در ایران به حدود ۱۲۰ سال قبل باز می‌گردد یعنی حکومت ناصرالدین شاه قاجار. در ابتدا شاهان قاجار که درک درستی از نقش بانک در اقتصاد و جامعه نداشتند امتیاز تأسیس بانک را تقدیم اتباع روس و انگلیس کردند. حتی حق چاپ اسکناس در این دوره در اختیار یک بانک انگلیسی بود. مقاله حاضر به بررسی اوضاع مالی دولت ایران در چهل سال آخر دوره قاجار و نقش بانک‌های خارجی در بهره‌برداری از این اوضاع می‌پردازد و سپس روند شکل‌گیری نظام بانکی ایران را که منجر به تأسیس بانک ملی در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی شد، بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ایران، بانکداری، مدرنیسم، بانک شاهی (شاهنشاهی)، بانک استقراضی.

مقدمه

در زمان قاجار اکثر مواقع دولت مشکل مالی داشته، چنانکه ماشاء... آجودانی می‌نویسد:

«در دوره مظفردالدین‌شاه یکی از نخستین اقدامات امین‌الدوله، قطع مواجب غیرضروری مزدبگیران دولت بود. از سوی دیگر خالی‌بودن خزانه دولت، باعث شده بود که حقوق درباریان و سربازها و کارکنان دولت مرتب عقب بیفتد و وصول نگردد. حتی وام کوچکی که به مبلغ پنجاه‌هزار لیره از بانک شاهنشاهی در سال ۱۳۱۵ قمری (۱۲۷۶ شمسی) دریافت کرد و درآمد گمرکی کرمانشاه و بوشهر را وثیقه‌ی پرداخت آن قرار داد، آن اندازه نبود که مشکلات روزافزون دولت را حل کند.»^۱

شاهد دیگری از اوضاع نابسامان مالی در این دوران، کتاب مورگان شوستر امریکایی است. در سال ۱۹۱۱ (۱۲۹۰ شمسی) واقعه شوستر پیش آمد. دولت ایران، مورگان شوستر جوان لیبرال امریکایی را با اختیارات زیاد خزانه‌دار کل کرد. شوستر مردی درست‌کار و کم‌تجربه و ایدآلیست بود و راه و رسم مدیریت در اوضاع و احوال ایران را نمی‌دانست. هم هیئت حاکمه ایران را خشمگین کرد هم دولت جابر و قاهر روس را که در شمال ایران تقریباً حکومت می‌کرد. وقتی هم که روس‌ها، به مناسبت پاره‌ای از اقدامات شوستر، از دولت ایران خواستند که عذرخواهی کند، خون ملت و نمایندگان مجلس به جوش آمد و طبل آمادگی برای شهادت نواخته شد. در جایی که می‌شد با یک ژست فروتنانه آتش خشم روس‌ها را فرونشاند، واکنش تند و بی‌حساب ملت غیور سبب شد که روسیه تزاری لشکر خود را در شمال با تهدید به اشغال تهران به حرکت درآورد. در نتیجه و در آخرین لحظات، دولت ایران به خفت‌بارترین نحوی مجبور شد به تقاضاهای بعدی و صد بدتر و شدیدتر روس‌ها- از جمله عزل و اخراج شوستر از ایران- تن در دهد و باز هم از روی ناچاری، مجلس محترم را منحل کند.^۲

مورگان شوستر که فقط حدود هشت‌ماه در ایران خدمت کرد بلافاصله پس از بازگشت، تجربیات خود را در کتابی به چاپ رساند که وضعیت مالی دولت را در آن دوران روشن می‌کند. وی می‌نویسد:

«در ۱۳ خرداد ۱۲۹۰ شمسی، من با مستر وود رئیس کل بانک شاهنشاهی ترتیبی دادم که علی‌الحساب ۲۵۰/۰۰۰ تومان از وام جدید پرداخت شود.»^۳

طبیعی است که در بیشتر مواقع دولت قادر به بازپرداخت نبود و مجبور بود امتیازی را به بانک بدهد. در قسمت دیگری اوضاع نابسامان مالی ارتش مشخص است:

«هنگامی که سپهدار فرصتی پیدا کرد اشاره‌ای به نیازهای مالی وزارت جنگ کرد. وزیر از زبان رئیس گفت: «پول نرسد جان ما هم در امان نیست.»^۴

طبیعی است این سیاستهای اشتباه از نگاه‌های تیزبین علما و مردم پنهان‌نمانده و هر از چند به طرق مختلف واکنش نشان می‌دادند. شوستر می‌نویسد:

«وقتی علما اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را نجس خواندند مردم برای تعویض آنها با سکه دولتی به بانک هجوم بردند و یک روزه ۲۰/۰۰۰ تومان اسکناس را پس دادند.»^۵

واقعه فوق شبیه به الغای امتیاز تنباکو بود که قبل از آن رخ داده بود و در آن زمان هم نقش اصلی را دولت انگلیس و رویتر بازی کرده بودند و منجر به دادن امتیاز دیگری برای انگلیس شد، دکتر زرین کوب می‌نویسد:

«الغای این امتیاز (تنباکو)، برای روسیه هم که تفوق انگلستان در دریافت امتیاز بیشتری برایش قابل تحمل نبود، مایه خرسندی شد. از این رو برای پرداخت خسارتی که دولت از این بابت برعهده داشت، از طریق بانک استقراضی اظهار آمادگی کرد. انگلستان با شرایط مناسب‌تری در پرداخت این خسارت به ایران وام داد و گمرک فارس را هم به ضمانت گرفت و با این طریق چیزی از تفوق سیاسی و قسمتی از حیثیت خود را که در باطل شدن لغو امتیاز به شدت لطمه دیده بود، جبران کرد.»^۶

عصر امتیازات در دوران قاجار پس از قتل امیرکبیر آغاز شد و تاسیس دو بانک شاهی و استقراضی در سال‌های بعد آن را تسریع کرد.^۷

نکته مهم در مورد فعالیت‌های دو بانک شاهی و استقراضی این بود که این دو بانک تنها هدف صرافی نداشتند بلکه عمده نظر آنها معادن کشور بودند. به همین خاطر است که رویتر توانست امتیاز استخراج نفت را هم بدست آورد^۸ و یا بانک استقراضی در ۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ قمری امتیاز کشیدن خط آهن جلفا - تبریز را از دولت ایران گرفت.^۹

یکی دیگر از دلایل اوضاع نابسامان مالی در این دوره، سفرهای پرهزینه و اغلب بی‌حاصل شاهان قاجار به اروپا بود و البته راحت‌ترین راه برای تامین مالی سفر هم، استقراض از بانک شاهی یا استقراضی بود. در واقع هرج و مرج مالی و اداری دولت بعد از کشته شدن ناصرالدین - شاه هر روز بیشتر می‌شد و کم‌کم انقلاب مشروطه داشت پا می‌گرفت. پس از انقلاب مشروطه که به واقع از نقاط عطف مهم در تاریخ ایران است، در بین برخی از مشروطه‌خواهان تمایلات حرکت به سوی مدرنیسم زنده شد. (مدرنیسم نگرش منسجمی است از علم و جامعه که به تدریج از تحولات اروپا در دو قرن گذشته پدید آمده است.^{۱۰})

مشروطه‌خواهان متجدد اواخر قرن نوزدهم و بعد از آن، دو هدف عمده داشتند: حاکمیت قانون و نوسازی. تصور آنها این بود که وقتی قانون حاکم شد، نوسازی کار دشواری نخواهد بود. اگرچه تعبیر نوسازی یا مدرنیزه کردن حتی امروزه معنا و مفهوم چندان روشنی ندارد، این مشروطه‌خواهان نوگرا بی‌گمان خواستار نوسازی صنایع، ادارات، آموزش و پرورش، خدمات بهداشتی، راه‌ها و امثال آن بودند. ولی شاید بزرگترین موهبت‌هایی که حسرتشان را می‌خوردند، اول راه آهن و دوم یک بانک ملی بود که نشانه‌های ترقی و تمدن به شمار می‌رفتند.^{۱۱} کار مدرنیزه‌سازی پس از مشروطه شروع شد ولی به دلیل هرج و مرج موجود در دوران مشروطه رشد خوبی نداشت اما پس از بازگشت ثبات نسبی به خصوص در ده سال اول حکومت رضاخان (رضاشاه) مظاهر مدرنیسم مثل ژاندرمری، بانکداری، عدلیه، راه‌آهن و... به سرعت گسترش یافت. در دوره رضاشاه صادرات نفت به تدریج جای خاصی را در اقتصاد ایران اشغال کرد و درآمد نفت بیشتر صرف واردات اسلحه شد.^{۱۲} بنابراین بحران‌های مالی دولت ایران در اواخر دوره مشروطه و تمایلات برخی از مشروطه‌خواهان باعث شد تا فکر تاسیس یک بانک ایرانی در ذهن‌ها ایجاد شود و در دوره رضاخان (شاه)، جامه عمل بر تن کند.

طرح تاسیس بانک ملی توسط مجلس اول مشروطه

رژیم نوپای مشروطه از همان بدو تاسیس دچار بحران‌های مالی شد. این امر دلایل زیادی داشت که بیشتر از عملکرد رژیم قاجاریه در مواجهه با مشکلات اقتصادی ناشی می‌شد. از اواسط قرن نوزدهم تدریجاً بنیان‌های مالی و اقتصادی کشورهای روس و انگلیس در ایران

شکل گرفته بود. هجوم اقتصاد تجاری روسیه و انگلیس به ایران در دوره ناصری و مظفّری که با تضعیف و نهایتاً نابودی اقتصاد کشور و وابسته‌کردن آن به اقتصاد خارجی همراه بود، دولت ایران را در آستانه وقوع انقلاب مشروطیت در مضیقه شدید اقتصادی قرار داد. به کارگیری سیاست‌های ویژه از سوی حکومت ناصری و مظفّری (نظیر فروش املاک خالصه و اعطای امتیازات به کشورهای خارجی) نتوانست بار مالی حکومت فاجاری را بر دوش کشد. رقابت‌های تجاری-اقتصادی دو کشور روس و انگلیس هم بیش از پیش اقتصاد داخلی را به تحلیل برد. تاسیس بانکهای استقرایی و شاهنشاهی توسط روس و انگلیس در ایران پیش از آنکه کمکی به اقتصاد بیمار کشور بنماید، پایگاهی جهت رواج کالاهای این دو کشور در ایران و خروج نقدینگی کشور شد.

از همان نخستین جلسات تشکیل مجلس دوره اول مشروطه، مذاکرات نمایندگان درباره مسائل مالی دولت در دستور کار آنها قرار گرفت. در این زمان که میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله در رأس دولت قرار داشت، در واقع مذاکراتی درباره اخذ وام با کشورهای دوگانه یاد شده به عمل آورده بود، اما از آنجا که مجلس تأسیس شده بود دولت مجبور به رایزنی با آن شد. در واقع جوّ مجلس به گونه‌ای بود که نمایندگان با هرگونه دست‌اندازی مجدد خارجیان به کشور مخالفت می‌کردند و سعی داشتند در حد امکان در برآوردن نیازهای اعتباری دولت کمتر به منابع خارجی متوسل شوند. به همین دلیل به مخبرالسلطنه فشار آوردند تا تقاضای آنان را به اطلاع هیئت دولت برساند. با این وجود دولت بدین بهانه که فرصت چندانی برای باز پرداخت بدهی‌های خود ندارد، از ارسال عایدی و خرج دولت برای مجلس طفره رفت و رسیدگی به آن را به وقت دیگری موکول کرد.

با تشکیل مجلس و لزوم تصویب قراردادها از سوی این نهاد تازه تأسیس شده به نظر می‌رسد که دولت با مشکلات عدیده‌ای روبرو شده بود. از مهمترین ابتکارات مجلس در این برهه، تصمیم به تأسیس و تشکیل بانک ملی بود تا از این طریق، از یکسو نفوذ اقتصادی خارجیان در ایران کندتر شود و از سوی دیگر با پشتیبانی و تکیه بر عرق ملی تجار و ثروتمندان داخلی، مبلغ مورد درخواست دولت را از منابع داخلی تأمین نماید. در میان نمایندگان اقشار مختلف، طبقه تجار رغبت بیشتری به تأسیس بانک ملی داشتند به ویژه اینکه با تمکن مالی که نسبت به سایر نمایندگان داشتند موضع‌گیری ایشان در این باره جدی‌تر می‌-

نمود. پیشنهاد داده شد تا اوراق قرضه ملی در اختیار افراد کشور قرار گیرد تا با سپردن سرمایه‌هایشان به بانک، پایه‌های مالی آن را تحکیم بخشند و حتی در گوشه و کنار کشور از این طرح نمایندگان استقبال به عمل آمد تا جاییکه «چند نفر نیز لایحه‌هایی به مجلس فرستادند که بانک ملی تشکیل بدهید ما چند نفر گمنام یکصد هزار تومان فعلاً موجود کرده ایم.»^{۱۳}

تردید نیست که طرح تاسیس بانک ملی از جمله اقدامات مهم مجلس اول مشروطه بود اما اینکه در کوتاه‌مدت بتواند به مشکلات دولت پاسخ دهد و آن را از فشارهای مالی برهاند، نتوانست دولت وقت را قانع کند. دولت که از مذاکره مخبرالسلطنه با نمایندگان مجلس طرفی نبسته بود، ناصرالملک وزیر مالیه را مامور کرد تا تقاضاهای مالی خود را دوباره در مجلس مطرح کند. ناصرالملک پس از حضور در مجلس بر لزوم اخذ وام از دولتین روس و انگلیس تأکید ورزید. وی شرایط پیشنهادی را که حاکی از پیش‌شرط‌های سنگین‌تری نسبت به دفعات قبل بود قرائت کرد. این بار دولت انگلیس علاوه بر وثیقه‌ها و رهن‌ها و شروط قبلی اداره ضرابخانه کشور را نیز بر تضمین‌های قبلی افزوده بود. از سوی دیگر دولت هم تقاضای خود را از چهارکرور به پنج‌کرور افزایش داده بود. با این حال هنوز نمایندگان، مصرّ به تشکیل بانک ملی بودند و در پاسخ به تقاضاهای مالی دولت وعده داد که «اگر صد کرور پول هم لازم باشد» تهیه خواهند کرد و از نماینده دولت یعنی ناصرالملک تقاضا کردند که دولت در تهیه پیشنهاد و قانون‌نامه تاسیس بانک ملی با مجلسیان همکاری کند.

همزمان با تلاش‌های نمایندگان مجلس جهت یافتن منابع اعتباری مطمئن‌تر برای اخذ وام، در سرتاسر کشور اقشار مختلف مردم تلاش‌هایی جهت همراهی با مجلس آغاز کرده بودند. هر آن، مکتوبی به دست نمایندگان مجلس می‌رسید که حاکی از اعلام آمادگی مردم جهت همراهی در ادای قرضه ملی و یا تاسیس بانک ملی بود.^{۱۴}

حتی زنان نیز در این راه بر مردان پیشی می‌گرفتند و با فرستادن مکتوباتی به مجلس، آمادگی خود را برای «ادای قرض و رفع احتیاجات دولت» اعلام می‌کردند. با این حال نمایندگان انتظار داشتند تا جلو سودجویی‌های افراد متنفذ نظیر شاهزادگان و حکام را سد کنند تا از تلاش جدیدی که با همکاری مجلس و ملت در شرف انجام گرفتن بود نتیجه‌ای خوشایند نصیب کشور شود.

ارسال نامه‌هایی از این نوع در دلگرمی هر چه بیشتر نمایندگان تاثیر بسیار داشت و آنان را به ادامه سیاست یاد شده (تاسیس بانک ملی) مصمم‌تر می‌ساخت.^{۱۵}

امام جمعه تهران نیز ضمن ارسال نامه‌ای به مجلس، آمادگی خود را در همراهی با تاسیس بانک ملی اعلام کرده و قول داده بود شخصاً پنج‌هزار تومان به خزانه واریز سازد. سعدالدوله که از نمایندگان طبقه اعیان در مجلس شورای ملی بود، تصریح کرد که هر فردی که قصد دارد در تاسیس بانک ملی مشارکت نماید، حداقل لازم است همان مبلغ پنج‌هزار تومان را به صندوق بانک بپردازد. از سوی دیگر، افرادی تاسیس بانک ملی به شیوه فوق را چندان عملی نمی‌دانستند و استدلالشان این بود که کشور با کمبود نقدینگی روبرو است و در نتیجه مبلغ مورد نیاز برای تاسیس بانک قابل جمع‌آوری نخواهد بود و همچنین در این لایحه تصریح شده بود که اخذ وام از کشورهای خارجی نیز به هیچ‌وجه به سود کشور نخواهد بود. بنابراین پیشنهاد می‌کردند از سوی دولت «تذکره به قیمت یک تومان» بر مبنای تعداد جمعیت کشور تهیه شود و در یک حرکت دسته‌جمعی و در سطح کشور به قرضه ملی از تمام مردم کشور به طور یکسان متوسل شوند تا از این طریق بر اساس بیست کرور جمعیت کشور (ده میلیون نفر) بیست‌کرور تومان جمع‌آوری نماید تا دولت بتواند دیون خود را بپردازد و هزینه‌های جاری کشور کارسازی شود.^{۱۶}

پیش از این، پیشنهاد تاسیس بانک از سوی مجلس توسط صدر اعظم به اطلاع شاه رسیده و وی آن را تایید کرده بود. در مرحله ابتدایی، سرمایه اولیه بانک را سی کرور تومان قرار داشتند. تعداد موسسان بانک در ابتدای امر بالغ بر صد نفر بود که هر یک از آنها متعهد شده بودند از پنج تا پنجاه هزار تومان به خزانه بانک وایز نمایند ولی برای عموم مردم کشور از طبقات گوناگون حداقل سهم شراکت در این بانک پنج‌تومان تعیین شده بود تا مردم با فراغت و اشتیاق بیشتری در خرید سهام آن مشارکت نمایند.

به نظر می‌رسید که در بیرون از مجلس و در درون جامعه عناصری وجود داشتند که در راه تاسیس بانک اشکال ایجاد می‌کردند که در این میان می‌توان نمایندگان سیاسی و اقتصادی کشورهای روس و انگلیس را نام برد که با تبلیغات سوء در میان مردم، خطرهای سرمایه-گذاری در بانک ملی (پیشنهادی) را به آنها گوشزد می‌کردند. به همین دلیل یکی از نمایندگان (محقق الدوله) از نمایندگان علما تقاضا نمود تا با استفاده از منابر و مجالس عمومی بین مردم

آنها را به سرمایه‌گذاری در این بانک تشویق کنند به ویژه اینکه روحانیون در میان عامه مردم از اعتبار و احترام خاصی برخوردار بودند.^{۱۷}

به هر حال پس از تعلق‌ها و کش و قوس بسیار، امتیازنامه بانک ملی در مجلس با جرح و تعدیلاتی به تصویب رسید و برای توشیح و صحه‌گذاری شاه ارسال شد و پس از امضای شاه به مجلس عودت داده شد. نظامنامه بانک ملی نهایتاً در دوازده فصل تنظیم و تدوین شد و به توشیح محمدعلی شاه رسید.^{۱۸}

به رغم تصویب نظامنامه، به نظر می‌رسید دولت و دیگر متنفذان و درباریان در راه آن اشکال تراشی می‌کردند و همزمان نمایندگان هم نتوانستند مبلغ کافی برای تاسیس بانک را جمع‌آوری کنند. نهایتاً رجوع به رای علمای طرفدار مشروطه جهت تاسیس بانک ملی در واقع آخرین تکاپوهای مجلس نوپای مشروطه به شمار می‌رفت. با تمام این احوال تدریجاً مسئله تاسیس بانک ملی از اذهان نمایندگان زدوده شد و هرچه به اواسط سال ۱۳۲۶ هـ ق نزدیکتر می‌شدند حال و هوای مجلسیان و دولت از مسائلی نظیر تاسیس بانک، اعانه ملی و... به مسائل دیگری معطوف شد تا اینکه بالاخره در تاریخ ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۶ هـ ق با بمباران مجلس و پایان یافتن قهرآمیز و اجباری دوره اول مجلس شورای ملی، اندیشه تاسیس و تشکیل بانک ملی نیز همراه با آن از میان رفت.

صرافی در ایران

بانکداری در ایران در ابتدا منحصر به فعالیت‌های صرافی بود. صرافی‌های بزرگی در مشهد، تهران، اصفهان و بوشهر وجود داشتند. مؤسسات صرافی عمده آن روزگار (قرن نوزدهم) شامل تجارتخانه برادران تومانیانس، تجارتخانه جمشیدیان و شرکت اتحادیه بودند که فعالیت برخی از آنها از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی متوقف گردید.^{۱۹} قبل از اینکه بانک در کشور ایجاد شود صرافان وظیفه بانک را انجام می‌دادند، به عنوان مثال ادوارد براون مستشرق و ایران‌شناس معروف در سفرنامه خود (به سال ۱۸۸۸ میلادی) اشاره کرده است که هنگام سفر به شهرهای مختلف ایران، براحتی پول خود را در شهرهای مختلف دریافت می‌کرده است:

«بنابراین سی‌تومان (۱۰ لیره) از حساب هزینه‌ی سفرم برداشتم و آن را به براتی تبدیل کردم که برای اردشیر مهران، تاجر بزرگ زرتشتی یزد صادر شده بود و هنوز ۱۶۶/۵ تومان (تقریباً ۴۵ لیره) در حسابم باقی مانده بود.»^{۲۰}

در سرتاسر سفر یک‌ساله ادوارد براون، وی براحتی در شهرها پول خود را نقل و انتقال می‌داده یا برات و حواله از صرافان دریافت می‌کرده است، حتی هنگامی که وی کشور را از طریق مرز دریایی مشهد سر (بابلسر فعلی) ترک می‌کند و به باکو می‌رسد، در آنجا صرافی ایرانی، پول ایرانی وی را به پول روسی تبدیل می‌کند.

در این دوره، واحد پول ایران شامل مجموعه‌ای از سکه‌های طلا و نقره بود که بسیاری از آنها به صورت محلی یا سراسری از قرن یازدهم ه. ش (شانزدهم میلادی) در گردش بودند. اما غالباً در عمل، پایه پولی ایران نقره بود. ریال از اسپانیایی‌ها وام گرفته شده بود و در قرن نوزدهم میلادی به سکه نقره رایج بدل شد. ریال در ابتدا معادل یک‌هشتم تومان بود، اما احتمالاً از سال ۱۱۹۵ ه. ش (۱۸۱۶ میلادی) که دوباره به نام سکه صاحب قرانی یا قران ضرب شده، ارزش آن به یک‌دهم تومان کاهش یافت.^{۲۱} کاهش ارزش پول در طول قرن به دو شکل صورت می‌گرفت: کاهش وزن سکه و تنزل غیررسمی مرغوبیت اوزان سکه‌ها.

نقیسی می‌گوید: قران در آغاز (هنگام ضرب ۱۲۰۵ ه. ش) معادل بود با دو مثقال (۹/۲ گرم) نقره و پس از اندک مدتی در زمان فتحعلی‌شاه، مقدار نقره‌ی آن را به یک‌مثقال نیم (۶/۹ گرم) و سپس در زمان محمدشاه به سی‌نخود (۵/۷۵ گرم) رسید. در آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه وزن آن را بیست‌وهشت نخود (۵/۳۷ گرم) و در سال ۱۲۸۹ ه. ش (۴/۵۴ گرم) تعیین کردند.^{۲۲}

شروع بانکداری

یکی از ارکان مهم پیشرفت و مدرنیزم هر کشور، سیستم بانکداری آن کشور است. اولین اقدام در زمینه تأسیس بانک در سال ۱۸۶۶ میلادی توسط بنگاه پارسی ارلانگه (Erlanger) صورت گرفت، اما چون دولت وقت ایران، مصونیت اندوخته‌های بانک را تضمین نکرد مذاکرات متوقف شد.^{۲۳} شروع فعالیت بانکداری در ایران به سال ۱۲۶۶ هجری شمسی بازمی‌گردد.^{۲۴} در این سال «بانک جدید شرق» بدون اینکه از دولت ایران امتیازی کسب کرده باشد، در تهران شعبه‌ای افتتاح کرد. مرکز این بانک در لندن بود و شعبی در شهرهای تبریز،

مشهد، اصفهان، شیراز، رشت و بوشهر دایر نمود.^{۲۵} بانک جدید شرق دوسال در ایران فعالیت بانکی کرد. این بانک در ۳۱ مارس ۱۸۹۰ میلادی، کلیه تأسیسات و امکانات خود را به بانک شاهنشاهی ایران واگذار کرد و به فعالیت خود در ایران خاتمه داد.^{۲۶}

بانک شاهنشاهی ایران

اولین بانک مستقلی که برای اولین بار حیات خود را ایران آغاز کرد، بانک شاهنشاهی (یا شاهی) بود. جمال‌زاده می‌نویسد:

«پس از آنکه ۱۶ سال بین دولت ایران و بارون ژولیس دو رویتر در خصوص امتیاز مهمی که در ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۲۸۹ به مشارالیه داده شده بود گفتگو و مرافه می‌بود، بالاخره در عوض خسارت‌هایی که وی ادعا می‌نمود، از طرف ناصرالدین‌شاه محض ختم گفتگو، امتیاز ایجاد بانک مزبور به وی داده شد.^{۲۷}»

پس از مدتی بر اساس قراردادی که در سال ۱۸۸۹ میلادی (۱۲۶۸ شمسی) بین ناصرالدین‌شاه و رویتر انگلیسی منعقد گردید، امتیاز بانک شاهنشاهی ایران به مدت شصت‌سال به رویتر داده شد. بانک، حق چاپ و نشر انحصاری اسکناس تا مبلغ ۸۰۰ هزار لیره انگلیسی را دارا بود، لیکن موظف بود معادل صددرصد اسکناس‌های منتشره فلزات گرانبها و ارز به عنوان پشتوانه داشته باشد. درحالی‌که امروزه بانک‌ها موظف به داشتن پشتوانه ۱۰۰٪ نیستند. احتمالاً در آن دوران اهمیت بانک برای پادشاهان قاجار به اندازه امروز نبوده است ولی با این وجود، دادن حق چاپ اسکناس از طرف پادشاه به یک بانک خارجی جای تأمل و تأسف دارد. زیرا بانک، مجری سیاست‌های پولی در یک کشور است و هر تصمیم آن زندگی تمام افراد جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین اعطای امتیاز فوق در واقع مداخله بیگانگان در امور اقتصادی و سیاسی را بیش از پیش آشکار می‌کند.

از آنجا که در دوران قاجار رقابت سختی بین دولت‌های استعماری روس و انگلیس در ایران جریان داشت، پس از مدتی دولت روسیه نیز درخواست تأسیس بانک نمود که این درخواست منجر به تأسیس بانک استقراضی ایران در سال ۱۸۹۰ میلادی (۱۲۶۹ شمسی) شد. اما این بانک مانند بانک شاهی نتوانست اعتماد مردم را جلب نموده و موفق باشد.

بانک سپه و بانک ملی ایران

اولین بانک ایرانی که تمام سرمایه آن مربوط به خارجیان نبود، بانک سپه است که در سال ۱۳۰۴ هـ ش به وجود آمد. نام این بانک در ابتدا «بانک پهلوی قشون» بود و سپس به بانک سپه تغییر کرد. سرمایه این بانک از محل وجوه بازنشستگی نظامیان تأمین شد. به غیر از دو بانک مهم یاد شده، بانک‌های دیگری هم در این دوره افتتاح شد که عبارتند از: بانک عثمانی (۱۳۰۱ هـ ش)، بانک روس و ایران (۱۳۰۵ هـ ش)، بانک سپه (۱۳۰۴ هـ ش) و بانک کارگشایی (۱۳۰۵ هـ ش).

مجلس شورای ملی در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۶ هـ ش لایحه «قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران» را تصویب کرد و بانک ملی در روز ۱۷ شهریور ۱۳۰۷ هـ ش فعالیت خود را در تهران آغاز کرد. در سال ۱۳۰۹ هـ ش، دولت ایران امتیاز انحصار نشر اسکناس را از بانک شاهنشاهی پس گرفته و آن را به بانک ملی ایران منتقل کرد. اولین سری اسکناس‌های بانک ملی ایران از اول فروردین ۱۳۱۱ هـ ش به جریان گذاشته شد.^{۲۸} طبق توافقنامه بانک شاهنشاهی، ایران متعهد بود تا آخر خرداد ۱۳۱۱ هـ ش کلیه اسکناس‌های خود را از جریان خارج سازد.^{۲۹}

به هر حال تأسیس یک بانک سراسری ایرانی، یکی از رویاهای ناسیونالیست‌های افراطی بود و رژیم پهلوی بلافاصله در راه تأسیس آن اقدام کرد. بدین‌سان بانک ملی ایران با کمک یک کارشناس آلمانی به‌وجود آمد. ایجاد بانک ملی مظهر نخستین گام‌هایی بود که در ایران و دیگر کشورها برای انگیزش توسعه برداشته می‌شد. در آن زمان و تا مدتها بعد، بازاریان برای رفع نیازهای «بانکی» خود به صرافان سنتی وابسته بودند. صرافی نهادی بود جاافتاده و تاجران و صرافان هر دو با نحوه‌ی کار آن آشنایی کامل داشتند. به علاوه بین دو طرف اعتماد متقابل وجود داشت. در مقایسه، بانک دولتی جدید، بی‌تجربه بود و در اداره‌ی امور خود چندان تخصصی نداشت. بانک جدید هم برای کارمندانی که آن را اداره می‌کردند و هم برای مردمی که قرار بود از خدمات آن استفاده کنند، پدیده‌ای بیگانه بود. واقعیت این است که بانک جدید و چند بانکی که بعداً بر پایه اهداف مشابه تأسیس شدند، نیز نتوانستند و نمی‌توانستند در این زمینه‌ها به موفقیت بیشتری دست یابند. نرخ‌های بهره‌ی آنها بالا بود و در گزینش مشتری و سواس بسیار به خرج می‌دادند و در نتیجه میزان اعتبارات اعطایی آنها ناچیز بود. در ابتدا

بانک ملی ایران به منظور توسعه تجارت، کشاورزی و صنعت تأسیس شد ولی در واقع وظیفه بانک مرکزی را هم بر عهده داشت.^{۳۰}

کوتاه سخن این است که رویتر، یهودی انگلیسی (آلمانی تبار)، که تاجری زیرک و ماجراجو بود^{۳۱} نقش اصلی را در ایجاد بانکداری جدید در ایران ایفا کرده است و البته از این راه سود هنگفتی هم بدست آورد که همین موضوع، ایرانیان آزاده و مشروطه‌خواه را به فکر تأسیس بانک ملی ایران انداخت. در نهایت بذری که توسط برخی نمایندگان مجلس اول کاشته شده بود در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی با تأسیس بانک ملی ایران به بار نشست و بانک ملی با سرمایه ۲۰ میلیون ریال تأسیس شد.



یادداشت‌ها:

- ^۱ آجودانی، ماشاء... مشروطه ایرانی، تهران، نشر اختران، چاپ نهم، ۱۳۸۷، ص ۲۷۶.
- ^۲ کاتوزیان، همایون، "سیدحسن تقی زاده: سه زندگی در یک عمر"، بنیاد مطالعات ایران، ایران نامه سال ۲۱، شماره ۲-۱، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
- ^۳ شوستر مورگان، اختناق در ایران، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۶، ص ۸۰.
- ^۴ همان، ص ۸۳.
- ^۵ همان، ص ۱۵۳.
- ^۶ زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران تاریخ ایران، تهران، انتشارات سخن، چاپ هفتم، ۱۳۸۴، ص ۸۱۸.
- ^۷ رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، نشر نی، ۱۳۶۷، ص ۷.
- ^۸ لسانی، ابوالفضل، طلای سیاه یا بلای ایران، تهران، امیرکبیر ۱۳۵۷، ص ۴۰.
- ^۹ همان، ص ۴۲.
- ^{۱۰} کاتوزیان، همایون، دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰، فصل سوم، ص ۴۳۸.
- ^{۱۱} همان، ص ۴۴۰.
- ^{۱۲} قنبری، علی، تحولات اقتصادی ایران، سمت، ۱۳۸۶، ص ۲۶-۲۷.
- ^{۱۳} شاهدی، مظفر، «مجلس اول مشروطه: بحرانه‌های مالی و طرح تاسیس بانک ملی»، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر، سال ۳، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۸، صص ۱۳۳-۱۷۰.
- ^{۱۴} همان.
- ^{۱۵} صورت مذاکرات دوره اول مجلس شورای ملی روز پنجمشنبه پنجم شوال ۱۳۲۴.
- ^{۱۶} صورت مذاکرات دوره اول مجلس شورای ملی روز شنبه هفتم شوال ۱۳۲۴.
- ^{۱۷} صورت مذاکرات دوره اول مجلس شورای ملی روز شنبه چهاردهم شوال ۱۳۲۴.
- ^{۱۸} صورت مذاکرات دوره اول مجلس شورای ملی روز شنبه چهارم ذی الحجه الحرام ۱۳۲۴.
- ^{۱۹} ساجدی، علی و گلریز، حسن، پول و بانک، تهران، انتشارات دانشکده علوم بانکی، چاپ سوم ۱۳۷۰.
- ^{۲۰} براون، ادوارد، یک سال در میان ایرانیان ترجمه مانی صالحی، علامه، نشر اختران، ۱۳۸۷، ص ۳۶۳.

- ۲۱ کاتوزیان، همایون، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سقوط رضاشاه، ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران، پایروس، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۶.
- ۲۲ نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در قرون معاصر، تهران، بنیاد، ۱۳۴۴، ص ۱۹-۲۰.
- ۲۳ عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۲، ص ۵۴۱.ش
- ۲۴ تقوی، مهدی، اقتصاد کلان، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶.
- ۲۵ همان، ص ۲۰۵.
- ۲۶ زمانی فراهانی، مجتبی، پول و ارز و بانکداری، تهران، انتشارات سازوکار، ۱۳۷۵، ص ۱۹۸.
- ۲۷ جمالزاده، سید محمد علی، گنج شایگان، کتاب تهران، ۱۳۶۲.
- ۲۸ زمانی فراهانی، ص ۲۰۵.
- ۲۹ رشیدی، علی، «تحولات واحد پول ایران و نرخ برابری»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، زمستان ۱۳۷۰، شماره ۵۲-۵۱، ص ۸۳۰.
- ۳۰ زندی حقیقی، منوچهر، پول و بانک، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵، ص ۸۹-۸۸.
- ۳۱ فاتح، مصطفی، پنجاه سال نفت ایران، انتشارات پیام، ۱۳۳۵، ص ۸-۲۴۵.

